

هنوز پوزیتیویسم در دانشگاه‌های ما حاکم است

گلشنی در نشست هم اندیشی همکاری حوزه ودانشگاه گفت: در غرب تا دهه ۵۰ پوزیتیویسم حاکم بود و می‌گفتند فقط هر سؤالی که علم تجربی جواب دهد معنا دارد اما در دانشگاه های ما هنوز این اندیشه حاکم است.

گلشنی در نشست هم اندیشی همکاری حوزه ودانشگاه گفت: در غرب تا دهه ۵۰ پوزیتیویسم حاکم بود و می گفتند فقط هر سؤالی که علم تجربی جواب دهد معنا دارد اما در دانشگاه های ما هنوز این اندیشه حاکم است.

به گزارش خبرنگار مهر، «دومین نشست هم اندیشی همکاری حوزه و دانشگاه» در پژوهشگاه مطالعات و همکاری حوزه و دانشگاه برگزار شد.

علماک مسلمان وظیفه خود را یافتن آثار صنع الهی می دانستند

مهدی گلشنی چهره ماندگار فیزیک و استاد فلسفه علم در این نشست درباره الزامات تحقق همکاری حوزه و دانشگاه به ارائه سخن پرداخت و گفت: به مدت ۳۵۰ سال تمدن اسلامی حاکمیت مطلق علم را در اختیار داشت. در حقیقت علمایی که در علوم تجربی و … کار می کردند، جهان بینی اسلامی داشتند و یک تفکر جامع نگر بر آنها حاکم بود و وظیفه خود را در کاوش علمی، یافتن آثار صنع الهی می دانستند. این علما، کار علمی را عبادت می دانستند. البته در قرون وسطی و دوران شروع علم جدید نیز این تفکر حاکم بود، اما به مرور زمان، این تفکر، تغییر کرد و به تدریج تفکر پوزیتیویستی حاکم شد، اما در ادامه کم کم مکاتب فلسفه علم پدید آمد و قضیه تغییر کرد.

هنوز دیدگاه پوزیتیویستی در دانشگاه های ما حاکم است

وی افزود: بسیاری از کسانی، که از زمان قاجار خواستند به غرب بروند تا تحصیل کنند، با این تفکر وارد ایران شدند و این اندیشه (پوزیتیویسم) را شایع کردند. غرب بعدها نظر خود را تغییر داد و کمی متعادل شد، اما این وضعیت هنوز در کشور ما به قوت خود باقی است و هنوز دیدگاه پوزیتیویستی در دانشگاه ها حاکم است. در غرب تا دهه ۵۰، این تفکر حاکم بود و می گفتند هر سؤالی که علم تجربی جواب دهد معنا دارد و الا معنایی ندارد و نخست وزیر هند نیز همین را صریحاً بیان کرد.

علم، با اصولی شروع می کند که از خود علم گرفته نشده است

این محقق و نویسنده کشورمان اظهار کرد: اما کم کم مکاتب فلسفه علم ظاهر شد و گفتند علم به این سادگی تولید نمی شود و در علم، با اصولی شروع می کنید که از خود علم گرفته نشده است و در حالی که از سال ۱۹۶۵ پشت جلد مجله تایمز این عبارت بود که «خدا مرده است»، ۱۵ سال بعد گفتند «خدا دارد برمی گردد». در زمانی که بنده فیزیک می خواندم، مطلقاً نمی شد سوال فلسفی کرد و حتی در دهه های هفتاد نیز کسی مقاله ای در فیزیک چاپ کرد که اسم آخرت را در آن آورده بود، اما به او نامه دادند که جای این حرف ها در مقاله فیزیک نیست، اما این تفکر و وضعیت به یک باره تغییر کرد. علتش نیز این بود که کلیسا بیدار شد و پاپ فهمید چه چیزهایی موجب جدایی علم و دین شده است و تصمیم گرفت، کنفرانس به پا کند و این وضعیت تغییر کرد.

این استاد فیزیک در ادامه سخنانش تصریح کرد: در سال ۱۹۹۱ بنده در یک کنفرانس به نام علم و الهیات در واتیکان شرکت کردم که مربوط به انجمن اروپایی علم و الهیات بود. این انجمن هر دو سال یک بار کنفرانسی داشت که دانشمندانی از علوم مختلف مانند فیزیک دان و زیست شناس و … در آن شرکت می کردند که در اثر توجه پاپ شکل گرفت. این انجمن چند سال بعد دائرةالمعارف علم و دین را منتشر کرد.

استاد سابق دانشگاه صنعتی شریف گفت: دانشگاه آکسفورد که دانشگاهی سکولار است و البته ریشه اش دینی بوده، مصاحبه هایی با فلاسفه درجه یک که ابتدا ملحد و بعد خداپاوار شدند را منتشر کرد، اما متأسفانه این تحولات مثبت، به کشور ما منتقل نشده است. یک مسئله مهم دیگر این است که اصلاً فلسفه در محیط های علمی، شأنی نداشت، اما در حال حاضر مسئله کاملاً تغییر کرد و گروه های همکاری فلسفه با دانشگاه ها و همکاری فلسفه با فیزیک و زیست شناسی شکل گرفته است.

جنبه های منفی غرب به کشور ما منتقل شده است

گلشنی تأکید کرد: بنابراین جنبه های منفی غرب به کشور ما منتقل شده است و می بینیم که کتاب های هاوکینگ ترجمه شده است، در حالی که بسیاری از کشیش ها و فلاسفه غرب، به مسائل او پاسخ داده اند، اما اینها ترجمه نشده است. به نظر من جدایی حوزه از دانشگاه یک اشتباه بزرگی بوده است.

خطر پوزیتیویسم از خطر مارکسیسم بزرگ تر است

وی افزود: وقتی دانشجوی بودم، یک خطر وجود داشت که خطر مارکسیست ها بود. در آن زمان، حواس حوزه به سمت مارکسیسم بود و علامه طباطبایی و شاگردان ایشان، مبارزه کردند، اما بیشتر از مارکسیسم، خطر اصلی پوزیتیویسم بود که در این سال ها با پوزیتیویسم، مقابله نشد و به همین دلیل پوزیتیویسم، در تفکر دانشمندان ما غالب است، در حالی که در غرب، برخی از فیزیک دانان دارند با پوزیتیویسم، مبارزه می کنند.

برای پیوند حوزه و دانشگاه باید دیالوگ دوطرفه حاکم باشد

گلشنی در ادامه سخنانش افزود: حکام ما فکر می کنند که غرب، ما را نجات می دهد و خوب است ببینید در غرب چقدر تحول حاصل شده است و آن تحولات مثبت به ما منتقل نشده است. به نظر بنده رابطه بین حوزه و دانشگاه در این ده ها سال مثبت نبوده است و بیشتر به صورت مونولوگ بوده است. یعنی حوزویان بیشتر گوینده بوده اند و کمتر شنونده. در حالی باید دیالوگ دو طرفه حاکم باشد و این دیالوگ در زمان شهید مطهری بسیار رایج بود.

وی بیان کرد: در آن زمان، علامه جعفری نیز خطر پوزیتیویسم را اشاره کردند و چند موردی را تذکر دادند. یکی از آن چیزهایی که علامه جعفری نسبت به آن تذکر می داد، رابطه علوم و فلسفه است. با فلسفه در محیط های علمی کاری نداشتند و الان فلسفه به محیط های علمی برگشته است و آن هایی که تراز اول هستند، به صراحت می گویند فیزیک، به فلسفه نیاز دارد. این جو تغییر کرده و باید از این جو استفاده کرد، لذا باید بخش فلسفی حوزه وارد شود و به علوم روز تسلط پیدا کند که در این صورت، حرف های بسیاری برای زدن خواهد داشت.

امروز الحاد از ناحیه فلاسفه نیست، بلکه از ناحیه فیزیکدانان است

گلشنی تصریح کرد: بنابراین رابطه علم و دین و فلسفه در غرب تقویت شده و این تعامل ها لازم است و راه افتادن پژوهشکده مطالعات و همکاری حوزه و دانشگاه را که به نیت تعامل است، به فال نیک می گیرم، اما یک نکته هم وجود دارد و آن هم اینکه، امروز همه صحبت از علوم انسانی اسلامی می کنند. در اینکه علوم انسانی مهم است، تأکید داشته ام و اگر با علومی مانند فیزیک همراه نباشد، فیزیک بی نفع است، لذا دانشگاه MIT، آمده و درجه مشترک لیسانس علوم پایه و علوم انسانی را به دانشجوی می دهد. پس نمی خواهم منکر اهمیت علوم انسانی شوم. باید همه دانشجویان بهره مناسبی از علوم انسانی برده باشند، اما الآن الحاد از ناحیه فلاسفه نیست، بلکه از ناحیه فیزیکدانان است و جواب آنها را اگر بخواهیم بدهیم، باید با آشنایی با این علوم وجود داشته باشد.